

گزارشی از پایان نامه «دانش تخریج و نقش آن در اعتبارسنجی احادیث»

مهدی صفری*

مقدمه

حدیث از پایه‌های اصلی فهم دین به‌شمار می‌رود که در طول تاریخ دست‌خوش حوادث فراوانی شده است. برای جداسازی حدیث صحیح از سقیم، دانشمندان این علم، تلاش‌های بسیاری کرده‌اند و قواعد و راهکارهایی را پایه‌ریزی نموده‌اند. در این راستا علما نگاه‌هایی را به رشته تحریر درآورده‌اند که در غالب کتاب و رساله از آنها منتشر شده است. این نگاه‌ها در زمان حاضر، افزون بر کتاب، در اسلوب مقاله و پایان‌نامه به طالبان این دانش ارائه می‌شود. برای شناخت حدیث سره از ناسره به دانش «اعتبارسنجی حدیث» نیازمندیم. از مهم‌ترین ابزار سنجش اعتبار حدیث، «دانش تخریج» است که با سند، متن و منبع ارتباط دارد. کارآیی تخریج، آسیب‌شناسی و اعتباریابی حدیث است که مجموع آن را می‌توان اعتبارسنجی نامید.

حجت‌الاسلام و المسلمین عباس محمودی - از حدیث‌پژوهان پرتلاش «مرکز آموزش تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم» - با نگارش پایان‌نامه کارشناسی ارشد (رساله علمی سطح ۳) خود در دانش تخریج، به معرفی، قاعده‌سازی و دسته‌بندی این دانش پرداخته است. پایان‌نامه ایشان با نام «دانش تخریج و نقش آن در اعتبارسنجی احادیث» با

* پژوهشگر مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم (mahdisafari859@yahoo.com)

راهنمایی استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالهادی مسعودی و مشاوره استاد حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا سبحانی نیا در تاریخ ۱۶/۳/۱۳۹۴ در مرکز تخصصی حدیث دفاع شد و با رتبه عالی پذیرفته گردید.

ساختار پایان نامه به صورت درختی است و ابتدا بخش، سپس فصل و پس از آن زیرفصل‌ها و زیر زیرفصل‌ها آورده شده و مطالب به صورت منسجم و دسته‌بندی ارائه گردیده است. پایان نامه از سه بخش ذیل تشکیل می‌شود:

۱. اعتبارسنجی روایات؛ مفهوم، ضرورت و راهکارها؛

۲. اعتبارسنجی و دانش تخریح؛

۳. روش‌شناسی تخریح احادیث.

در پایان نیز به نتیجه‌گیری و کتاب‌نامه پایان می‌پذیرد که در ۱۸۲ صفحه سامان یافته است.

در ادامه، گزارشی از پایان نامه یادشده به محضر علاقه‌مندان این علم ارائه می‌شود.

بخش اول: اعتبارسنجی روایات؛ مفهوم، ضرورت و راهکارها

نویسنده پس از چکیده و مقدمه، وارد بخش اول «اعتبارسنجی روایات؛ مفهوم، ضرورت و راهکارها» شده که در دو فصل ارائه شده است.

فصل اول را به «مفهوم و ضرورت اعتبارسنجی روایات» اختصاص داده است. در قسمت مفهوم‌شناسی اعتبارسنجی از فصل اول، این معنا را برای آن می‌آورد:

اعتبارسنجی حدیث، یعنی ارزش‌گذاری هر کلامی که به معصوم علیه السلام منتسب است و همچنین مشخص کردن میزان اعتبار آن سخن، برای عمل کردن و به کار بستن آن در زندگی.

در ادامه، ضرورت استفاده از دانش اعتبارسنجی را آسیب‌های متنی و فرامتنی فراوانی می‌داند که بر حدیث وارد شده است. تعدادی از آسیب‌هایی وارده را این‌گونه برمی‌شمرد:

منع تدوین حدیث، تقیه، پدیده جعل و وضع، روایات ناسخ و منسوخ، وجود روایات مضطرب.

در پایان این فصل، لزوم اعتبارسنجی را نتیجه گرفته، می‌گوید:

علمای شیعه، اعتبارسنجی و ارزیابی احادیث موجود در منابع حدیثی را نه تنها قبل از

تدوین جوامع حدیثی، بلکه پس از آن را نیز لازم و ضروری می‌دانند. شیخ مفید که خود متوفای ۴۱۳ ق است - یعنی بعد از تدوین جوامع اولیه حدیثی می‌زیسته - می‌گوید: «اصحاب حدیث، غث و سمین را نقل می‌کنند و به نقل معلوم بسنده نمی‌کنند. احادیث آنان مختلط است که جز با تأمل در اصول و تکیه بر نظر نمی‌توان به صحت آن منقولات رسید.

فصل دوم از بخش اول را به «راهکارهای سنجش اعتبار روایات» اختصاص داده که در سه قسمت از آنها بحث می‌کند: «اعتبار سندی، اعتبار محتوایی و اعتبار مصدری.» سند حدیث را «سلسلهٔ راویان حدیث از صاحب کتاب تا معصوم علیه السلام» معرفی نموده و از دو جنبه، سند را بررسی می‌کند:

الف) «جزئی» که شناخت احوال تک تک راویان است و برای آن باید به کتاب‌های رجال، فهرست و طبقات رجوع کرد.

ب) «کلی» این مرحله، به بررسی اتصال سند تا معصوم علیه السلام می‌پردازد. تصحیف‌ها و تقطیع‌های سند نیز مشخص می‌شود و برای آگاهی از میزان اعتبار سند به طور کلی و پی بردن به نقاط قوت و ضعف آن، چند راهکار ارائه می‌کند.

نقد محتوایی، راه حل دیگری در اعتبارسنجی احادیث است که نویسنده، آنها را در دو دسته قرار داده است:

الف) روش‌هایی که مخصوص دوران حضور است؛

ب) روش‌هایی که در همه دوران‌ها کاربرد دارد.

از دیدگاه نویسنده، دریافت معارف از امام علیه السلام و اصحاب خاص و عرض بر آنها، روش‌های نقد محتوایی در دوران حضور به شمار می‌رود. عرضه بر قرآن و سنت قطعی، مخالفت با عامه، ادبیات و موافقت با عقل، تاریخ مطمئن، علوم قطعی و فطرت انسان را از روش‌هایی می‌داند که در همه دوران‌ها کارایی دارد.

اعتبار مصدر، عنوان پایانی این فصل است که آن را چنین بیان می‌کند:

مراد از منبع، نخستین مکتوبات حدیثی است که شامل مکتوبات خود ائمه علیهم السلام، شاگردان آنها و هر متن مکتوبی که برای اولین بار نوشته شده باشد، می‌شود.

وی سه ملاک عمده در سنجش اعتبار منابع حدیث را عرضه می‌کند: ۱. ویژگی‌های کلی کتاب؛ ۲. شخصیت مؤلف؛ ۳. متن کتاب.

بخش دوم: اعتبارسنجی و دانش تخریح

بخش دوم، «اعتبارسنجی و دانش تخریح» را به تبیین ارتباط دانش تخریح - که سند، متن و محتوا را ارزیابی می‌کند - در سنجش اعتبار احادیث اختصاص داده است. دو فصل اصلی در آن قرار دارد: الف) تعریف، جایگاه، ضرورت و اهداف تخریح؛ ب) پیشینه، و منبع‌شناسی دانش تخریح.

در فصل اول بخش دوم، ابتدا به «تعریف» تخریح پرداخته که در سه قسمت اصلی قرار دارد: ۱. مفهوم‌شناسی؛ ۲. واژگان مترادف؛ ۳. واژگان مرتبت.

ابتدا مفهوم‌شناسی کلمه تخریح آمده که لغت آن دارای دو اصل معنایی آورده شده است؛ یکی در معنای خارج شدن و آشکار شدن که ضد معنای دخول است و دیگری در معنای اجتماع دو رنگ مختلف در یک شیء. سپس به معنای اصطلاحی میان محدثان پرداخته که اقدام علمای شیعه را تخریح عملی می‌داند؛ زیرا بحث نظری از ایشان در زمینه تخریح یافت نشده است. در ادامه چهار اصطلاح از منظر علمای اهل سنت برای دانش تخریح ارائه می‌دهد:

۱. مرداف با «اخراج» به معنای ابراز و آشکار کردن حدیث با ذکر روایانی که روایت از طریق آنها به ناقل رسیده است.

۲. مرداف با کتاب مستخرج.

۳. به معنای بیرون آوردن احادیث از لابه‌لای کتاب‌های حدیثی و روایت کردن آنها با سند.

۴. دلالت و راهنمایی.

مرحله بعدی بررسی واژه تخریح نزد فقیهان و اصولیان اهل سنت است که آن را دارای کاربردهای متفاوتی دانسته و در چهار دسته جمع می‌کند.

«واژگان مترادف» مرحله بعد است که به شناخت لغات مشابه و مترادف تخریح اختصاص دارد. در این قسمت سه لغت آورده شده است:

۱. «مستخرج» که «اسم مفعول استخراج، به معنای بیرون آمده است.

۲. «مَخْرَج» که به معنای «موضع و محل خروج یک شیء» است.

۳. «اخراج» که «بیشتر محدثان آن را با تخریح مترادف دانسته‌اند و برخی تفاوت‌هایی

بین این دو اصطلاح ذکر کرده‌اند.

«واژگان مرتبت» قسمت دیگر این فصل است که مهم‌ترین اصطلاحات را معرفی می‌کند؛ ۱. مراتب تخریج؛ ۲. طرق تخریج؛ ۳. اصول تخریج؛ ۴. قواعد تخریج؛ ۵. کتاب‌های تخریج.

جایگاه دانش تخریج، قسمت دوم از این فصل است که به نقش مهم آن اشاره می‌کند: دانش تخریج می‌تواند رابط سند، متن و منبع حدیث باشد. بنابراین، جایگاه بسیار مهمی در شناسایی اصالت حدیث، اصالت منبع و اصالت متن دارد.

قسمت سوم از فصل اول به تبیین «ضرورت و هدف» تخریج اشاره دارد که حاصل آن شمردن هفده فایده برای این دانش است؛ از جمله آنها به این موارد می‌توان اشاره کرد: ۱. مسند نمودن روایات؛ ۲. بازیابی اسناد صحیح برای روایات ضعیف؛ ۳. افزایش طرق روایات؛ ۴. شناخت تصحیف و تحریف سندی و متنی؛ ۵. شناخت موارد نقل به معنا، تقطیع و سقط در سند و متن؛ ۶. شناخت روایات مستفیض و متواتر؛ ۷. کشف احادیث متعارض؛ ۸. شناخت شیوه، ذوق، روش و سلیقه مؤلفان در گزینش احادیث؛ ۹. شناخت طبقات راویان و

فصل دوم از بخش دوم، به «پیشینه و منبع‌شناسی دانش تخریج» اشاره دارد. این فصل را در دو قسمت «پیشینه» و «منبع‌شناسی دانش تخریج» ارائه می‌کند.

ابتدا وارد بحث «پیشینه» می‌شود و در آن به کارهای قبلی انجام گرفته در دانش تخریج اشاره می‌کند. نگارنده اذعان دارد که در میان شیعه، کتابی مستقل در این باره نگاشته نشده است؛ زیرا در زمان حضور عرضه و دریافت از معصوم، ما را از این دانش مستغنی می‌کند، اما در زمان‌های بعدی تخریج در میان کتاب‌های علما به صورت پراکنده و در خلال کار بر روی احادیث ارائه شده است. در میان اهل سنت، بعد از صحابه و نگاشته شدن کتاب‌های حدیثی و تفسیری و ذکر نکردن اسناد آنها، علما برای شناسایی احادیث به تخریج آنها پرداختند. درباره «اولین تخریج‌نویس» و اختلاف میان آن سخن به میان می‌آورد و به نام ترمذی، قرطبی، خطیب بغدادی و نووی به عنوان اولین نگارندگان اشاره دارد.

مرحله بعد، «منبع‌شناسی دانش تخریج» است که در آن منابع تخریج را در دو دسته «کتاب‌های تطبیقی» و «کتاب‌های نظری» معرفی می‌کند. منابع تطبیقی کتاب‌هایی هستند که به تخریج عملی احادیث پرداخته‌اند و منابع نظری، قواعد، اصول، اقسام، روش و به طور کلی مباحث نظری علم تخریج را بحث کرده‌اند. در منابع تطبیقی، کتاب‌ها را به

چهار دسته «کتاب‌های جامع»، «کتاب‌های فقهی»، «کتاب‌های تفسیری»، «کتاب‌های فضائل، اخلاق و تصوف» تقسیم کرده‌اند که در مجموع نام ۱۵ کتاب را آورده و ویژگی هر یک را بیان می‌کند. در منابع نظری، نگارنده نام ۱۲ کتاب را ذکر کرده و به توضیح درباره کتاب و محتوای آن می‌پردازد.

بخش سوم: روش‌شناسی تخریح احادیث

نگارنده پس از مباحث مقدماتی، مهم‌ترین مباحث خود را در این بخش قرار داده است که متشکل از چهار فصل است:

الف) شناسایی و تحلیل گونه‌های تخریح حدیث؛

ب) قواعد تخریح حدیث؛

ج) عملکرد دانشمندان شیعه و اهل سنت؛

د) نقش گونه‌ها و قواعد تخریح در دفاع از حدیث.

در اولین فصل از بخش سوم، به بحث گونه‌شناسی تخریح پرداخته و شناسایی و تحلیل انواع راهکارهای تخریح حدیث را بیان می‌کند. نگارنده در ابتدا، روش کار خود در این فصل را این‌گونه بیان می‌دارد:

علمای اهل سنت در بیان طرق تخریح حدیث، نظریات مختلفی ارائه کرده‌اند. پس از مطالعه، دقت و مقایسه این طرق، در جمع‌بندی آنها می‌توان پنج طریق ارائه کرد. به دلیل این‌که هر کدام از روش‌های تخریح حدیث، ابزار خاص خود را دارد، پس از بیان هر شیوه، کتاب‌هایی که در آن روش کاربرد دارد معرفی می‌شوند. نکته دیگر این‌که همه این طرق تخریح، در شیعه هم کارایی دارد. بنابراین، پس از معرفی هر دسته از کتاب‌های اهل سنت اگر اثری معادل یا شبیه آن در شیعه وجود داشته باشد، به عنوان نمونه نام برده می‌شود.

روش‌هایی که در این فصل مورد بحث قرار می‌دهد عبارت‌اند از:

۱. تخریح از طریق شناخت راوی حدیث: در این روش کتاب‌های مورد نیاز در کاربرست این دانش، مانند مسندها و معجم‌ها را معرفی می‌کند. در ادامه نام و شیوه استفاده از کتاب‌هایی آورده می‌شود که در صورت نیاز و یا نیامدن نام راوی در هر یک منابع گفته شده، بتوان به آنها رجوع کرد که در چند دسته ارائه شده‌اند.

۲. تخریح حدیث به کمک کلمات ابتدای متن حدیث: این شیوه در مواردی کاربرد دارد

که ابتدای متن حدیث شناخته شده باشد و همچنین باید الفاظ احتمالی و مشابه را مورد دقت قرار داد. در ادامه کتاب‌های کاربردی در این زمینه از تخریج را دسته‌بندی می‌کند.

۳. استخراج حدیث به کمک کلمات بارز متن (کلیدواژه): تفاوت این طریق تخریج با روش پیشین، این است که در این روش، ممکن است کلمه بارز متن، در ابتدا، وسط یا آخر حدیث باشد، در حالی که در شیوه گذشته، تنها با لفظ ابتدای متن، تخریج انجام می‌گرفت. مهم‌ترین کتاب‌های مورد استفاده در این روش در سه دسته بررسی و نام برده شده‌اند؛ مانند المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی، سنن ابن ماجه و کتاب‌های غریب الحدیث.

۴. روش پرفایده دیگری که متعرض می‌شود، استخراج حدیث به وسیله موضوع آن است. کاربرد این روش برای کسانی است که به فهم حدیث دست یافته باشند؛ محدود کردن موضوع، استفاده بیشتری از این روش برای آنها دارد. کتاب‌های این روش به دو دسته تقسیم شده‌اند:

الف) کتاب‌هایی که بر اساس موضوعات مرتب شده‌اند، مانند صحیح بخاری؛

ب) کتاب‌هایی که در موضوع خاصی تألیف شده‌اند.

این کتاب‌ها در موضوعات متعددی دسته‌بندی شده‌اند؛ مانند تفسیراثری، اعتقادی، فقهی، سیره و شمایل، فضایل صحابه، آداب و اخلاق و کتاب‌های زهد.

۵. استخراج حدیث به کمک وصف خاص حدیث: این وصف خاص می‌تواند از اوصاف سند یا متن حدیث باشد. برای تخریج حدیث با وصف خاص سند می‌توان از سه دسته کتاب زیر بهره گرفت:

الف) کتاب‌هایی که ملاک جمع‌آوری آنها اوصافی بوده که خاص سند است؛ مانند کتاب‌هایی که بر اساس صحت و ضعف سند، کتاب‌ها را آورده‌اند.

ب) کتاب‌های مبهمات‌الاسناد؛ ملاک جمع‌آوری این کتاب‌ها، احادیثی بوده که در سند آنها نوعی ابهام وجود داشته است.

ج) کتاب‌های احادیث مسلسل؛ در این کتاب‌ها احادیث مسلسل گردآوری شده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به کتاب المناهل السلسلة فی الأحادیث المسلسلة تألیف عبدالباقی ایوبی اشاره کرد. در مواردی که تخریج به کمک اوصاف خاص متن انجام می‌شود هشت دسته از کتاب‌ها را نام می‌برد که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب‌های ناسخ و منسوخ، کتاب‌های مبهمات، کتاب‌های احادیث قدسی و کتاب‌هایی که احادیث متواتر را

جمع آوری کرده‌اند.

فصل دوم از بخش سوم این پایان‌نامه، به بیان «قواعد تخریج» اختصاص دارد. نویسنده این قاعده‌ها را در سه قسمت قواعد درایه‌ای، قواعد رجالی و قواعد منبع‌شناسی آورده و بررسی کرده است. درباره نقش و اهمیت شناسایی این قواعد می‌نویسد:

با توجه به تأثیرگذاری و ارتباط مستقیم تخریج با رشته‌های دیگر علوم حدیث و تفاوت اساسی در برخی مبانی با اهل سنت، باید قواعد درایه‌ای، منبع‌شناسی و رجالی تأثیرگذار در تخریج حدیث را شناسایی و تدوین کرد تا بتوان به کمک آن به تخریج واقعی و صحیح حدیث دست یافت. قواعد درایه‌ای بیشتر در مباحث مقدماتی، اصطلاحات و کلیات، قواعد منبع‌شناسی در استخراج و به‌کارگیری مصادر و قواعد رجالی در سند شناسی کاربرد دارد.

۱. قواعد درایه‌ای: در این قسمت به شناساندن و بررسی مهم‌ترین قواعد درایه‌ای که تأثیرگذاری بیشتری در صحت تخریج دارند پرداخته است. در مجموع، هفت قاعده را بیان کرده که ابتدای آن «مشخص بودن معنای حدیث» بوده و اهمیت فراوانی را برای آن قائل شده است.

دومین قاعده «عدم وجود تخریج در ناسخ و منسوخ» است؛ زیرا یکی از لوازم یافتن متتابعات حدیث، آن است که حدیث اصل و متابع در حقیقت یک حدیث باشند و ناسخ و منسوخ در واقع یک حدیث نیستند.

قاعده سوم «دقت در طریق تحمل حدیث» است تا احادیثی که در آنها تدلیس رخ داده، شناسایی شود.

قاعده چهارم «ملاک وحدت و تعدد حدیث» نام دارد که ملاک شمارش احادیث در تخریج باید براساس معیار شیعی باشد؛ چون اهل سنت در شمارش روایات تنها طرق را می‌شمارند، نه متون را.

پنجمین قاعده «تخریج تمام حدیث» است که به دلیل امکان وجود قرینه باید به صدر و ذیل حدیث توجه کرد و کل آن را تخریج نمود. قاعده ششم «تخریج احادیث تکراری» است که در آن احادیث تکراری و متون مشابه نیز باید بررسی شود.

آخرین قاعده «تخریج؛ خاص کلام معصوم علیه السلام» است که در آن، تخریج‌کننده باید به این نکته توجه داشته باشد که اصل در کتاب‌های حدیثی شیعه این است که روایات را به

معصوم علیه السلام برسانند و از غیر معصوم چیزی نقل نکنند.

۲. قواعد منبع‌شناسی: نگارنده تخریج منبع و مصدر را یک قسم از تخریج حدیث دانسته و شناخت قواعد منبع‌شناسی را در تخریج دقیق مؤثر می‌داند. وی نه قاعده را به عنوان مهم‌ترین قواعد این قسمت ذکر می‌کند:

یکم. ارجاع به مصدر اصلی مسند: در این شماره برای ارجاع حدیث به مصدر، دو قید اصلی بودن و مسند بودن را لحاظ کرده است که در صورت عدم دستیابی به مصدر اصلی، مصدر فرعی و سپس مصدری که از فرعی نقل کرده جایگزین آن می‌شود. نگارنده منظور خود از اصلی بودن را با دو ملاک قدمت کتاب و اهمیت کتاب بیان می‌کند. تأکید بعدی بر روی واژه مسند است که حدیث باید تا معصوم دارای سند سلسله باشد.

دوم. گزارش مصادر جوامع حدیثی: به این معنا که اگر در یکی از جوامع حدیثی، روایتی نقل شده بود و مصدر آن معلوم بود، در تخریج باید منبع اصلی را ذکر کرد.

سوم. گزارش روایت از متقدم‌ترین منبع: در تخریج، اگر حدیثی چند منبع داشت باید به متقدم‌ترین منبع ارجاع داد.

چهارم. داخل کردن کتاب‌های متأخر در محدوده تخریج: به دلیل برخی فواید مانند ذکر سند یک حدیث، استفاده از منابع متأخر در تخریج سودمند شمرده شده است.

پنجم. تخریج در روایات ضعیف: به دلیل تفاوت ملاک‌ها در سنجش اعتبار حدیث در زمان‌های گوناگون، احادیث ضعیف نیز تخریج می‌شوند.

ششم. ورود کتاب‌های ضعیف در تخریج: دلیل آن را این می‌داند که همه روایت‌های کتاب‌های ضعیف، از دایره حجیت خارج نیستند.

هفتم. دخول کتاب‌های موضوعات در تخریج: نویسنده استفاده از کتاب‌های موضوعات نگاری را در تخریج سودمند می‌داند و دلیل آن را ذکر بسیاری از روایات مانند فضایل اهل بیت علیهم السلام در آنها می‌داند.

هشتم. تخریج حدیث در کتاب‌های شرح: استفاده از کتاب‌های شرح الحدیث کمک زیادی در تخریج یک حدیث می‌کند.

نهم. تخریج حدیث در کتاب‌های غیر حدیثی: مراجعه به کتاب‌های غیر حدیثی، مانند: جغرافیا، لغت، انساب، فقه و... کمک بسزایی در تخریج یک حدیث می‌کند.

۳. قواعد رجالی: تخریج سند، نوعی دیگر از تخریج است. شناخت و به‌کارگیری قواعد

رجالی، در تخریب صحیح حدیث، تأثیری مستقیم دارد. در این قسمت سه راهکار ارائه می‌کند:

یکم. دخول کتاب‌های رجالی اهل سنت در تخریب راویان شیعی؛

دوم. لزوم بررسی سندی همه روایات؛

سوم. تخریب توابع حدیث.

حدیث تابع همان حدیث اصل است، اما با طریقی دیگر نقل شده است. کاربرد این قاعده را در مواردی ذکر می‌کند که تنها تخریب سندی و متنی است؛ وگرنه اگر تخریب محتوایی نیز مورد نظر باشد، لازم است شواهد آن حدیث هم تخریب شود.

فصل سوم از بخش سوم درباره «عملکرد دانشمندان شیعه و اهل سنت» در دانش تخریب است. این فصل را از دو منظر بررسی می‌کند؛ ابتدا «عملکرد عالمان شیعه» درباره تخریب و سپس «عملکرد عالمان اهل سنت».

نظر نویسندگان درباره عالمان شیعه این است که آنها اگرچه در اصول، قواعد و مبانی دانش تخریب، کتابی تألیف نکرده‌اند، اما بیشتر آنها به مسئله تخریب حدیث توجه داشته و به شیوه‌های متعدد به آن پرداخته‌اند. وی برای اثبات ادعای خود نام ۱۱ تن از علما را به ترتیب تاریخ وفات آورده و با ذکر نمونه‌های متعدد، عملکرد هر یک را بررسی کرده است؛ علمایی همچون احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن بن فروخ صفار، محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن ابراهیم نعمانی، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی و سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس.

نگارنده درباره عملکرد عالمان اهل سنت می‌گوید:

عالمان اهل سنت به دلیل مشکلات فراوانی که در روایات خود مشاهده می‌کردند، نیاز بیشتری به تخریب احساس کردند. به همین دلیل کتاب‌های تخریبی فراوانی تألیف کردند؛ به گونه‌ای که گاهی یک کتاب خاص برای تخریب روایات کتاب پیشین نوشته شده است.

در ادامه نام هفت تن از علما مانند احمد بن محمد بن حنبل شییبانی، محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن دارمی را به ترتیب سال وفات ذکر کرده و با آوردن نمونه‌های فراوان برای هر یک، کارکرد

آنها در دانش تخریح را توضیح داده است.

آخرین فصل پایان نامه و چهارمین فصل از بخش سوم به «نقش تخریح در دفاع از حدیث و ارتباط آن با استفاضه و تواتر» پرداخته است. نظر نویسنده بر این است که تخریح حدیث، هم به اعتباریابی حدیث کمک می‌کند و هم به آسیب‌شناسی، و مجموع این دو به اعتبارسنجی حدیث می‌انجامد؛ یعنی با اعتباریابی و آسیب‌شناسی است که اعتبارسنجی کامل می‌شود. در این فصل، فایده‌های بهره‌گیری از دانش تخریح که در سنجش اعتبار روایات مؤثرند، مورد بررسی قرار گرفته که در دو قسمت «اعتباریابی» و «آسیب‌شناسی» تنظیم شده است.

- اعتباریابی حدیث: وی این عنوان را از مهم‌ترین کارایی‌های تخریح در این فصل دانسته و بیست فایده از فایده‌های بهره‌گیری از تخریح - که در اعتبارافزایی روایات مؤثرند - را بررسی کرده و نمونه‌هایی از هر کدام آورده است. تعدادی از این فواید عبارت‌اند از: خروج سند از مجهول بودن، رفع ارسال سند و مسند کردن روایات، شناسایی روایات تکراری، رفع مشکل تاریخی روایات، بازیابی اسناد صحیح برای روایات ضعیف، یافتن مشترکات حدیثی فریقین، حل معضل عدم تطابق جواب با سؤال، رفع معضل تقطیع در روایات، یافتن سند شیعی برای حدیث، رفع اتهام کذب یا وضع یک روایت.

- آسیب‌شناسی حدیث: دانش تخریح، از مهم‌ترین ابزارهای شناسایی آسیب‌های متنی و فرامتنی حدیث به شمار می‌رود که از دیگر فواید این علم معرفی شده است. ادامه مطلب به بررسی آسیب‌های حدیث که به کمک تخریح شناسایی شده اختصاص یافته که با ذکر نمونه‌های فراوان و مناسب پایان یافته است. نگارنده هشت آسیب از آسیب‌های وارد بر حدیث را برشمرده است؛ از جمله شناخت تصحیف، کشف افتادگی و سقط در سند، شناسایی موارد تقطیع شده، نقل به معنا، شناخت موارد قلب، اثبات ناقص بودن یک کتاب، شناسایی حدیث مزید.

در انتها نتیجه‌گیری از پایان نامه آورده شده که به بخش‌های مهم آن اشاره می‌شود. حدیث به عنوان مهم‌ترین منبع فهم دین پس از قرآن، در گذر تاریخ دچار آسیب‌های متنی و فرامتنی فراوانی شده است. برخی از آسیب‌های به وجود آمده در حدیث، مانند منع تدوین حدیث و تقیه، مربوط به مرحله صدور آن و برخی دیگر مانند وجود روایات مضطرب و روایات ناسخ و منسوخ مربوط به مضمون حدیث است. به دلیل وجود این آسیب‌ها،

سنجش اعتبار احادیث ضرورت می‌یابد. سه راهکار اصلی سنجش اعتبار روایات، عبارت‌اند از اعتبار سندی، اعتبار محتوایی و اعتبار مصدری.

گرچه علمای شیعه به تخریح عملی روایات پرداخته‌اند، اما به دلیل عدم ارائه مباحث نظری دانش تخریح، تعریفی برای تخریح حدیث از دیدگاه دانشمندان شیعه یافت نشد. از نظر محدثان اهل سنت، تخریح در چهار معنا به کار رفته است. فقیهان و اصولیان نیز تعریف‌های متفاوتی از تخریح ارائه داده‌اند.

تاکنون آثار فراوانی در تخریح حدیث تألیف شده است. برخی از آنها به تخریح عملی حدیث پرداخته و تعدادی از آنها درباره مباحث نظری دانش تخریح - که غالباً قواعد و طرق تخریح حدیث است - بحث کرده‌اند. بررسی کتاب‌های تطبیقی تخریح نشان می‌دهد که ضرورت تألیف چنین کتاب‌هایی از زمانی احساس شد که احادیث، با سند ناقص یا متن تقطیع شده در آثار فقهی، تفسیری و اخلاقی مؤلفان آورده شد. به همین دلیل، اولین کتاب تخریح در قرن سوم نوشته شد. در این میان، برخی کتاب‌ها به تخریح متن پرداختند و تعدادی به تخریح سند و بعضی هم به هر دو. گرچه غالب تخریح‌نویسان اهل سنت، به تخریح روایات یک کتاب خاص پرداخته‌اند، اما مبنای غالب آنها در ارجاع احادیث و برگرداندن آنها به اصل، دو کتاب صحیح بخاری و مسلم بوده است و همین مطلب باعث تکراری شدن بسیاری از مطالب آنها شده است. نکته دیگری که می‌توان از این پژوهش نتیجه گرفت، این است که بیشترین تخریح‌ها در احادیث فقهی انجام شده است. برخی مؤلفان در آثار خود، به تخریح حدیث بسنده نکرده‌اند و در کنار تخریح، مطالب دیگری نیز آورده‌اند که گاهی موارد همان مطالب جنبی، فایده‌ای بیش از خود تخریح دارد. نکته دیگر این‌که همه کتاب‌های نظری دانش تخریح در قرن اخیر تألیف شده‌اند.

علمای شیعه، گرچه در اصول، قواعد و مبانی دانش تخریح، کتابی تألیف نکرده‌اند، اما غالب آنها به مسئله تخریح حدیث توجه داشته و به شیوه‌های متعدد به تخریح حدیث پرداخته‌اند. از احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن بن فروخ صفار، محمد بن ابراهیم نعمانی، گرفته تا صاحبان جوامع اولیه همه به تخریح حدیث دقت داشته‌اند و نمونه‌های فراوان تخریح در آثار آنها یافت می‌شود. تخریح در شیعه محدود به این دوران نبوده و در جوامع ثانویه نیز ادامه یافت، به گونه‌ای که می‌توان گفت بیشترین و کامل‌ترین تخریح‌ها توسط شیخ حر عاملی انجام گرفته است. در اهل سنت نیز همه صاحبان کتب

سته به تخریح حدیث توجه داشته‌اند و بیشترین تخریح‌ها را می‌توان در صحیح مسلم یافت.

لازمه این همه توجه به تخریح حدیث، قواعدی منسجم و منظم است. نگارنده این سطور با جست‌وجوی گسترده‌ای که در این مورد انجام داده، به این نتیجه رسیده است که در اهل سنت تا حدودی هر چند ناقص، برخی قواعد برای تخریح حدیث بیان شده است؛ اما عالمان شیعه هر چند به تخریح عملی حدیث عنایت و توجه داشته‌اند، اما تاکنون پژوهشی مستقل در مباحث نظری آن انجام نداده‌اند. از این رو، با بهره‌گیری از تجربیات اهل سنت و تحقیقاتی که در منابع حدیثی شیعه و نحوه تعامل عالمان با حدیث انجام شد، قواعدی منظم برای تخریح حدیث، شناسایی و معرفی شده که در سه دسته قواعد درایه‌ای، منبع‌شناسی و رجالی ارائه گردیده است.

آثار و فایده‌های فراوانی بر تخریح حدیث مترتب است. باید گفت با تخریح هر حدیث، همه طرق، منابع، متن‌ها و محتواهای مختلف آن مشخص می‌شود. همین امر، باعث می‌شود بسیاری از احادیث که در نگاه اول منفرد به نظر می‌رسند، از انفراد خارج شوند و به حد استفاضه یا حتی تواتر (مضمونی و محتوایی) برسند. هرچه نقل‌های یک حدیث بیشتر باشد، اطمینان نسبی به آن بالاتر رفته و این خود نوعی دفاع از حدیث است. بنابراین تخریح یکی از مهم‌ترین راه‌های اعتبارسنجی احادیث است که به کمک آن هم اعتباریابی روایات ممکن می‌شود و هم شناخت آسیب‌های سندی و متنی آنها ممکن می‌گردد.

کتابنامه: از نقاط قوت این پایان‌نامه، استفاده از منابع فراوان و ارجاع به آنان است. نگارنده با مراجعه به ۱۶۵ کتاب، چندین سایت و مجلات تخصصی، تلاش وافر خود را تکمیل کرده و پایان‌نامه‌ای غنی و پرمحتوا را ارائه نموده است.

این پایان‌نامه در کتابخانه مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه موجود است و علاقه‌مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند.